

در پیشگاه قرآن

(قسمت چهارم)

دکتر نادر فضلی

نیز موظفند به پیامبر اسلام - که مُصَدِّقِ کتابهای ایشان است - ایمان بیاورند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ، آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ.»^(۲۰)
 «ای کسانی که به آنها کتاب - آسمانی - داده‌اند، به آنچه که نازل کرده‌ایم و تصدیق کننده کتابهای شماست، ایمان بیاورید.»

آیات دیگری نیز ضمن نزول به حَقِّ قرآن، آن را تصدیق کننده کتابهای آسمانی پیشین می‌شمارد:

«نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ.»^(۲۱)

«ما کتاب - قرآن - را به حق بر تو نازل کردیم که تصدیق کننده کتابهای آسمانی پیش از خود است.»

آیاتی هم ضمن آنکه تاکید می‌نماید قرآن سخن راست و سراسر حقیقت است و به دروغ و دَغَل نازل نگشته، آن را تصدیق کننده کتابهای آسمانی پیش از خود می‌دانند، مانند این آیه:

«وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»^(۲۲)

«چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا به دروغ و افترا نازل شده باشد، بلکه تصدیق کننده کتابهای آسمانی پیش از خود و تفصیل و گسترده کتاب است (از این رو) بی‌هیچ تردیدی از جانب پروردگار عالمیان است.»

ب) گروه دیگری از آیات، قوم یهود را به طور خاص مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد و به ایشان یادآوری می‌کند که هر آنچه از کتابهای آسمانی نزد ایشان است به وسیله قرآن تصدیق و تایید شده است. این آیات در سوره بقره، طی بیان ویژگیهای یهودیان آمده که به عنوان نمونه یک مورد را ذکر می‌کنیم:

«وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ.»^(۲۳)

و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آنچه نزد آنان است بر ایشان آمد، و از دیرباز [در انتظارش] بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می‌جستند؛ ولی همین که آنچه [که اوصافش] را می‌شناختند بر ایشان آمد، انکارش کردند. پس لعنت خدا بر کافران باد.

کمال نزول قرآن به زبان عربی:
 از میان کمالات پر شمار و بلکه بی شمار قرآن، نیز کمال نزول قرآن به زبان عربی است.

عربی، زبانی بسیار مهم و مقدس و ارجمند است که خداوند آن را به عنوان زبان برگزیده خویش معرفی فرموده است برای پی بردن به اهمیت این زبان، نکات چندی را یادآور می‌شویم:

۱- عربی زبان اهل بهشت است؛
 در این خصوص کلام امام امیرمؤمنان (ع) قابل توجه است آنجا

کمال تصدیق در قرآن:

دین خدا^(۱) که همان دین حق^(۲) و قَیِّم^(۳) و خالص^(۴) است، یک دین بیش نیست و آن نیز جز آیین توحید و یکتاپرستی نباشد.^(۵) اسلام همان دین است^(۶) که دین برگزیده خداست^(۷) و خداوند از آن راضی است^(۸) و هر کس هر دین دیگری جز آن را برگزیند، از او نمی‌پذیرند.^(۹) از این رو تمامی ادیان الهی از یک منبع ریشه می‌گیرند و تمام پیامبران هم به همین دلیل مسلمان بوده^(۱۰) و دیگران را نیز به پذیرش اسلام سفارش کرده‌اند.^(۱۱)

بر این اساس، از دیگر کمالات قرآن - که آن را کمال «تصدیق» نام گذارده‌ایم - آن است که این کتاب قویم و مجید، علاوه بر آنکه نسبت به تمامی کتابهای آسمانی پیشین، هیمنه و برتری ویژه‌ای دارد، درستی و راستی آنها را نیز «تصدیق» می‌کند و «گواهی گویا» بر حقانیت آن کتابهاست. این تصدیق و گواهی از آنجاست که اگر بپرایه‌ها و آرایه‌هایی که در ادیان آسمانی پدید آمده، برطرف شود، فقط دین اسلام می‌ماند که نیکوترین آئین است و آن، جز تسلیم در برابر خداوند امر دیگری نیست.^(۱۲)

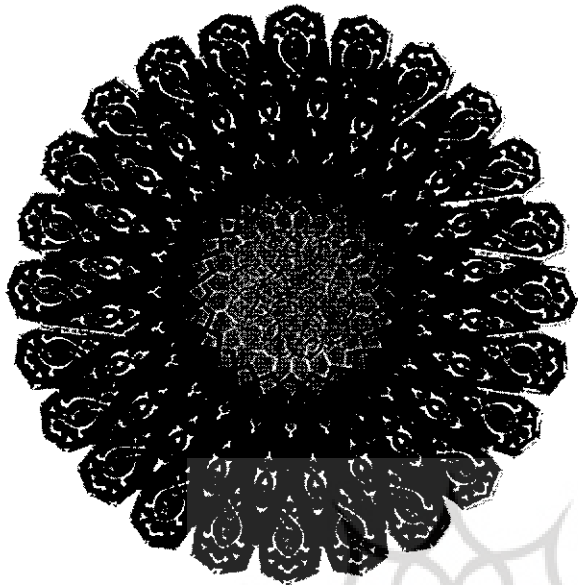
شهادت قرآن بر صداقت آن کتابها در دو گروه از آیات قرآن کریم آمده‌اند که آنها را ذکر می‌کنیم:

الف) آیاتی از قرآن که خطابیه همگانی دارد و بیانگر آن است که قرآن «مُصَدِّق» تمامی کتابهای آسمانی پیشین است. «ذکر» نام عمومی کتب آسمانی است^(۱۳) و صُحُف ابراهیم، صُحُف موسی^(۱۴) و تورات^(۱۵) و زبور داود^(۱۶) و انجیل^(۱۷) از کتابهایی هستند که قرآن از آنها نام برده و قرآن تصدیق کننده همه این کتابهاست.^(۱۸)

آیاتی را که حاکی از این امرند، ذکر می‌کنیم:
 «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ، ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ أَصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ.»^(۱۹)

«آن هنگام که خداوند از پیامبران (و امتهای ایشان) پیمان گرفت که هرگاه کتاب و حکمت به شما دادم و پس از آن رسولی آمد و آنچه را که نزد شماست تصدیق کرد حتماً باید به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید. خداوند فرمود: آیا - بر درستی این پیمان - اقرار می‌کنید و عهد و پیمان مرا در بر می‌گیرید؟ ایشان گفتند: اقرار می‌کنیم. و خداوند - خطاب به فرشتگان - فرمود: بر این پیمان شاهد باشید و من هم همراه شما شهادت خواهم داد.»

یکی از نشانه‌های حقانیت پیامبر همین است که او تصدیق کننده کتابهای آسمانی پیشین است و پیامبران نیز همه مامور بوده‌اند که اگر زنده باشند و پیامبر اسلام ظهور کند، به او ایمان آورند و او را یاری کنند. خداوند بر این امر، از ایشان پیمانی استوار گرفته است. تمامی امت‌های گذشته که به ایشان کتاب داده شده (پیروان کتابهای آسمانی پیشین)



که آن پرسشگر شامی از امام (ع) درباره چگونگی زبان اهل بهشت پرسید و امام (ع) فرمود:

«كَلَامُ أَهْلِ الْجَنَّةِ بِالْعَرَبِيَّةِ»^(۲۴)

«سخن گفتن اهل بهشت به زبان عربی است.»

قرآن در وصف حوریان بهشتی می‌فرماید:

«فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَاراً عُرْباً أَثَرِيَّاتٍ»^(۲۵)

«حوریان بهشتی دوشیزگانند عُرْب و هم سن و سال.»

در تفسیر قمی در توضیح صفت «عُرْب» آمده است: یعنی يَتَكَلَّمْنَ

بِالْعَرَبِيَّةِ^(۲۶): ایشان به زبان عربی سخن می‌گویند.

۲- زبان حضرت آدم (ع) در بهشت نخست عربی بوده است؛

«... وَ كَانَ لِسَانُ آدَمَ الْعَرَبِيَّةَ - وَ هُوَ لِسَانُ أَهْلِ الْجَنَّةِ - فَلَمَّا عَصَى رَبَّهُ أَبَدَلَهُ بِالْجَنَّةِ وَ نَعِيمِهَا، الْأَرْضِ وَ الْحَرْتِ، وَ بِلِسَانِ الْعَرَبِيَّةِ، السَّرْيَانِيَّةِ»^(۲۷)

«... زبان حضرت آدم عربی بود - همان زبان اهل بهشت - وقتی از

فرمان خدا سرپیچید، بهشت و نعمتهای آن به سکونت در زمین و کشت

در آن تبدیل شد و گویش وی از عربی به زبان سریانی بدل گشت.»

۳- زبان عربی برترین زبانهاست؛

حضرت علی (ع) از حضرت رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود:

«وَ سَيِّدُ الْكَلَامِ الْعَرَبِيَّةُ»^(۲۸)

«سید و سرور الفاظ، لفظ عربی است.»

۴- زبان عربی از چنان اهمیتی برخوردار است که پیام وحی از ناحیه

خداوند به زبان عربی نازل می‌شده است.

امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

«إِنَّ الْوَحْيَ يَنْزِلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بِالْعَرَبِيَّةِ فَإِذَا آتَى نَبِيًّا مِنْ الْأَنْبِيَاءِ آتَاهُ

بِلِسَانِ قَوْمِهِ»^(۲۹)

«وحی، از جانب خداوند به زبان عربی نازل می‌شود، و ترجمان کلام

وحی هنگامی که به پیامبری از پیامبران ابلاغ می‌شود به زبان امت آن

پیامبر بیان می‌گردد.»

و نیز آن حضرت از قول پدر بزرگوار خویش نقل می‌کند که فرمود:

«مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كِتَابًا وَ لَا وَحْيًا إِلَّا بِالْعَرَبِيَّةِ فَكَانَ يَقَعُ

فِي مَسَامِعِ الْأَنْبِيَاءِ بِأَلْسِنَةِ قَوْمِهِمْ وَ كَانَ يَقَعُ فِي مَسَامِعِ نَبِيِّنَا (ص)

بِالْعَرَبِيَّةِ فَإِذَا كَلَّمَ بِهِ قَوْمَهُ كَلَّمَهُمْ بِالْعَرَبِيَّةِ، فَيَقَعُ فِي مَسَامِعِهِمْ بِلِسَانِهِمْ

وَ كَانَ أَحَدٌ لَا يَخَاطَبُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) بِأَيِّ لِسَانٍ خَاطَبَهُ إِلَّا وَقَعَ فِي

مَسَامِعِهِ بِالْعَرَبِيَّةِ كُلِّ ذَلِكَ يَتَرَجِّمُ جِبْرِئِيلُ عَنْهُ، تَشْرِيفًا مِنَ اللَّهِ لَهُ (ص)

»^(۳۰)

«خداوند تبارک و تعالی هیچ وحی و کتاب آسمانی را جز به زبان عربی

نازل نفرموده است اما پیام خداوند در سامعه هر پیامبری به زبان قوم آن

پیامبر شنیده می‌شد، و وحی الهی در سامعه پیامبر ما (ص) به همان زبان

عربی واقع می‌گردید و پیامبر (ص) نیز به زبان عربی با مردم سخن

می‌گفت و ایشان به زبان خودشان سخن پیامبر را می‌شنیدند، و هر کس

با هر زبانی با پیامبر گفتگو می‌نمود، پیامبر آن را به زبان عربی می‌شنید

و ترجمه کلام توسط جناب جبرئیل انجام می‌پذیرفت. این همه به سبب

بزرگداشت پیامبر (ص) از جانب خداوند بود.»

۵- حضرت اسماعیل (ع) نخستین کسی است که خداوند زبان او را به

تکلم به عربی گشود، یعنی آن حضرت این زبان را به الهام خداوند

آموخت و به آن سخن گفت؛

از حضرت امام باقر (ع) نقل است که فرمود:

«إِنَّ إِسْمَاعِيلَ أَوَّلَ مَنْ شَقَّ لِسَانَهُ بِالْعَرَبِيَّةِ»^(۳۱)

«حضرت اسماعیل نخستین کسی است که زبانش به گویش عربی

باز شد.»

و نیز احمد بن حنبل نقل می‌کند:

«وَ إِسْمَاعِيلُ أَوَّلُ مَنْ قَتَقَ لِسَانَهُ بِالْعَرَبِيَّةِ الْمُبِينَةِ الَّتِي نَزَلَ بِهَا

الْقُرْآنُ»^(۳۲)

«اسماعیل اول کسی است که گفتارش به زبان عربی آشکار که قرآن

نیز به آن زبان نازل شده، گشوده گشت.»

۶- ویژگی بسیار بارز و منحصر این زبان که هیچ زبان دیگری دارای

این خصوصیت نمی‌باشد، عبارتست از این که همه زبانهای دیگر به وسیله

زبان عربی قابل تبیین و توضیح هستند، اما هیچ زبان دیگری نمی‌تواند

زبان عربی را آنگونه که شایسته آن است، روشن و آشکار بیان نماید.

امام (ع) فرمود:

«بَيْنَ الْأَلْسِنِ وَ لَا تَبَيِّنُهُ إِلَّا لِسْنُ»^(۳۳)

«عربی زبانهای دیگر را تبیین می‌کند و هیچ زبانی نمی‌تواند آن را

تبیین کند.»

۷- زبان عربی اصیل اسماعیلی بر اثر آمیزش و اختلاط با زبان

نبطی^(۳۴) از مسیر اصلی خویش خارج شد و راه دگرگونی پیمود و در طول

سالیان، به تدریج اصالت خویش را از دست داد و به صورتی در آمد که چهره

اصلی آن ناشناخته ماند. فقط در میان قریش بدان سبب که بازماندگان

حضرت اسماعیل بودند و فصیح‌ترین گویش عربی را داشتند، آثار زبان

عربی اصیل باقی مانده بود.

با ظهور پیامبر اکرم (ص) و نزول قرآن به زبان عربی اسماعیلی، این

زبان الهی دیگر بار زنده شد و حیات دوباره یافت. از همین رو وقتی به

پیامبر (ص) عرض کردند:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْصَحَكَ؟ مَا رَأَيْنَا الَّذِي هُوَ أَفْصَحُ مِنْكَ.»

«ای پیامبر! تو چه شیوا و روشن سخن می‌گویی؟! ما فصیح‌تر از تو

ندیده‌ایم!»

آن حضرت فرمود:

«وَ مَا يَمْنَعُنِي ذَلِكَ، وَ بِلِسَانِي نَزَلَ الْقُرْآنُ، بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ»^(۳۵)

«چرا که چنین نباشم، در حالی که زبان من همان زبان عربی آشکاری

است که قرآن به آن زبان نازل شده است.»



خطاطی‌های قرآنی اثر خطاطان چینی

و در بیان دیگری آمده است که از آن گرامی پرسیدند:

«یا رسول الله من أدبک؟»

«چه کسی تو را ادب (نیکو سخن گفتن) آموخته است؟»

و آن حضرت فرمود:

«الله أدبني وأنا أفصح العرب. بميذاتي من قریش و ربيت في الفخر من هو اذن بني سعد بن بكر...»^(۲۶)

«آموزگار من خدا بوده است در حالی که من فصیح‌ترین عرب‌ام. افزون بر این من از قریشم که بهترین گویش عربی را دارد - و همچنین در میان قبیله‌ای تربیت شده‌ام که آن نیز در (شیوایی گفتار) افتخار قریش است.»

۸. نزول قرآن به زبان عربی شرافت بزرگی برای این زبان است و دستور به یادگیری این زبان به همین خاطر است. امام صادق فرمود:

«تعلّموا العریبة فانها كلام الله الذي یكلّم به خلقه.»^(۲۷)

«زبان عربی را بیاموزید چرا که آن زبانی است که خداوند بوسیله آن با مردم سخن گفته است.»

اینک با توجه به نکات مزبور به بحث آغازین - کمال «نزول قرآن به زبان عربی» باز می‌گردیم؛ قرآن می‌فرماید:

«و ما أرسلنا من رسول الا یلسان قومہ لیبین لهم.»^(۲۸)

«ما هر پیامبری را به زبان قوم او بسوی ایشان فرستادیم - تا مطالب را - برای آنان بیان کند.»

با عنایت به این آیه شریفه قرآن نیز به زبان عربی نازل شده است، آن هم به زبان عربی مبین. عربی مبین یعنی همان زبان روشن و روشنگری که - پیش از این گفتیم - خداوند آن را بر حضرت اسماعیل الهام فرموده بود، همان عربی فصیحی که با نزول قرآن، از آمیختگی با زبانهای دیگر مصون و محفوظ ماند. زبان عربی الهی اسماعیلی بر اثر گذشت زمان دستخوش دگرگونیها و تغییرات فراوانی گشته بود که با نزول قرآن، دیگر بار زنده شد. سخن گفتن پیامبر (ص) نیز به عربی مبین و فصیح به تبع قرآن بود.

به هر روی، آیاتی از قرآن ویژگی این کتاب مجید را با تعبیر «عربی مبین» بیان می‌دارند که برخی از آنها را می‌آوریم:

«نزل به الروح الامین علی قلبک لتکون من المنذرين بلسان عربی مبین.»^(۲۹)

«حضرت روح الامین این قرآن را به زبان عربی آشکار بر قلب تو نازل فرمود تا از بیم دهندگان باشی.»

در آیه دیگر برای رفع اتهام از پیامبر اکرم (ص) مبنی بر آموزش آن گرامی توسط یک نفر از اهل کتاب و غیر عرب چنین می‌خوانیم:

«و لقد نعلم أنهم یقولون انما یعلمه بشر لسان الذي یلحدون الیه اعجمی و هذا لسان عربی مبین.»^(۳۰)

«ما می‌دانیم که این کافران - به تهمت و افتراء می‌گویند: آموزگاری از نوع بشر به او آموزش می‌دهد، اما - ای پیامبر! - زبانی که آنان به دروغ به تو نسبت می‌دهند، عجمی است و حال آنکه این قرآن به زبان عربی

روشن و شیواست.»

روشن است که عربی بودن قرآن - چنانچه اشاره کردیم - بدان دلیل بوده تا مردم عرب زبان جزیره العرب آن را بفهمند و آیاتش را کاملاً دریابند، چنانچه قرآن در این باره می‌فرماید:

«و لو جعلناه قرآناً أعجمیاً لقالوا لولا فصلت آياته أعجمی و عربی قل هو للذین آمنوا هدی و شفاء.»^(۳۱)

«اگر این قرآن را به زبان اعجمی نازل می‌کردیم کافران - به اعتراض - می‌گفتند: چرا آیات آن - برای فهم ما - تفصیل داده نشده است؟ کتابی غیر عربی و مخاطبین آن عرب زبان؟! ای پیامبر! بگو: این قرآن برای مؤمنان، هدایت و شفاست.»

آیات دیگر قرآن در راستای تفصیل مطالب قرآن به زبان عربی، چنین نتایجی را از نزول این کتاب گرامی بر می‌شمرند:

«أنا أنزلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون.»^(۳۲)

«ما قرآن را به زبان عربی فرود آوردیم شاید که خرد خویش را بکار گیرید.»

«کتاب فصلت آياته قرآناً عربیاً لقوم یعلمون.»^(۳۳)

«قرآن کتابی است که آیات آن به بیان عربی تفصیل داده شده است، برای گروهی که می‌دانند.»

«قرآناً عربیاً غیر ذی عوج لعلهم یتقون.»^(۳۴)

«قرآنی را که هیچ کژی در آن نیست، به زبان عربی فرود آوردیم شاید که تقوا پیشه کنند.»

«و هذا کتاب مصدق لساناً عربیاً لیُنذر الذین ظلموا.»^(۳۵)

«و این قرآن کتابی است تصدیق کننده، به زبان عربی تا اینکه ستم‌پیشگان را بترساند.»

«و كذلك أنزلناه قرآناً عربیاً و صرفنا فيه من الوعید.»^(۳۶)

«و این چنین است که ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم.»

بنابراین تعقل و تقوا و علم و ترس از خدا و عذاب قیامت از آثاری است که عربی بودن قرآن به بار می‌آورد زیرا مخاطبین آن، آیاتش را می‌فهمند و درباره آن می‌اندیشند و عبرت می‌گیرند.

چنین است که قرآن به زبان پیامبر به آسانی جاری می‌گردد تا نتایج دیگری نیز به بار آید:

«فانما یسرناه بلسانک لئبشر به المتقین و تنذیر به قوماً لدا.»^(۳۷)

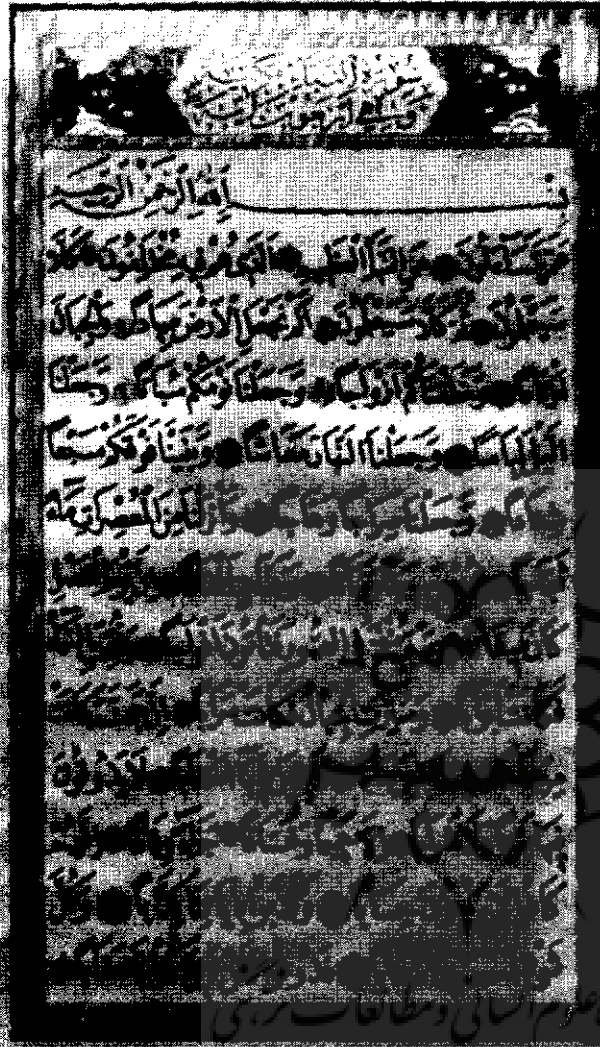
«ما این قرآن را روان و شیوا بر زبان تو جاری کردیم، باشد به وسیله آیات آن پروا پیشگان را بشارت دهی و گروه کافران ستم‌زده جو را بترسانی.»

«فانما یسرناه بلسانک لعلهم یتذکرون.»^(۳۸)

«قرآن را به زبان تو روان و مفهوم قرار دادیم شاید که به خود آیند.»

پانوشته‌ها:

- ۱- و رأیت الناس یدخلون فی دین الله أفواجاً. نصر / ۲، و نیز آل عمران / ۸ و نور / ۲.
- ۲- هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق. توبه / ۳۳ و ۲۹، فتح / ۲۸، صف / ۹.
- ۳- أمر الا تعبدوا الا آياته. ذلک الذین القیم. توبه / ۴۰ و روم / ۳۰ و ۴۳ و انعام / ۱۶۱ و بینه / ۵.
- ۴- الا لله الذین الخالص. زمر / ۳.
- ۵- أمر الا تعبدوا الا آياته. توبه / ۴۰.
- ۶- ان الذین عند الله الاسلام، آل عمران / ۱۹.
- ۷- و وصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب یا بنی ان الله اصطفی لکم



تابلو خطاطی سوره انبیاء
 اثر: حجت الاسلام رضا سنگی

- الَّذِينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ. بقره / ۱۳۲.
- ۸- أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا. مائده / ۳.
- ۹- وَمَنْ يَمْتَعْ بِغَيْرِ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. آل عمران / ۸۵.
- ۱۰- وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ. مَلَأَ آبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ. هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ. حج / ۷۸.
- ۱۱- شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ. شوری / ۱۳ و نیز بقره / ۱۳۲.
- ۱۲- وَ مِنْ أَحْسَنِ دِينًا مِمَّنْ اسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ. نساء / ۱۲۵.
- ۱۳- الذِّكْرُ: الْكِتَابُ الَّذِي فِيهِ تَفْصِيلُ الدِّينِ وَ وَضِعَ الْمَلِئُ وَ كُلُّ كِتَابٍ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ: تاج العروس.
- ۱۴-... إِنْ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى. اعلیٰ / ۱۸ و ۱۹.
- ۱۵- در این آیات از تورات نام برده شده است: سوره آل عمران آیات ۳، ۴۸، ۵۰، ۶۵، ۹۳. سوره مائده آیات: ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۶۶، ۶۸، ۱۱۰. سوره اعراف آیه ۱۵۷، توبه / ۱۱۱، فتح / ۲۹، صف / ۶، جمعه / ۵.
- ۱۶- نام زبور داود در این آیات ذکر شده است: انبیاء / ۱۰۵، نساء / ۱۶۳، اسراء / ۵۵.
- ۱۷- نام انجیل در این آیات آمده است: سوره آل عمران آیات: ۳، ۴۸، ۶۵. سوره مائده آیات: ۴۶، ۴۷، ۶۶، ۶۸، ۱۱۰. اعراف / ۱۵۷، توبه / ۱۱۱، فتح / ۲۹، حدید / ۲۷.
- ۱۸- البته ذکر این نکته ضروری است که این کتابهای آسمانی دستخوش تحریف و دگرگونی گشته و قرآن مصداق اصل آن کتابها به دور از آفت کاستی و افزونی در آنهاست.
- ۱۹- سوره آل عمران، آیه ۸۱.
- ۲۰- سوره نساء، آیه ۴۷.
- ۲۱- آل عمران / ۳ و نیز مائده ۴۸۳، فاطر / ۳۱.
- ۲۲- یونس / ۳۷ و نیز یوسف / ۱۱۱.
- ۲۳- بقره / ۸۹. آیات دیگر در همین سوره عبارتند از: ۴۱، ۹۱، ۹۷.
- ۱۰۱- تأیید کتاب موسی هم در آیات ۱۲ و ۳۰ احقاف ذکر شده است.
- ۲۴- بحار الأنوار ۲۸۶/۸ و ۸۱/۱۰.
- ۲۵- سوره واقعه، آیه ۳۷.
- ۲۶- بحار الأنوار ۱۳۴/۸ از تفسیر قمی.
- ۲۷- بحار الأنوار ۴۲/۱۱.
- درباره زبان پیامبران در همین روایت آمده است که حضرات آدم و شیث و ادریس و نوح و ابراهیم به زبان سریانی سخن می گفتند. حضرات اسحاق و یعقوب و موسی و داود و عیسی به زبان عبری و حضرات هود و صالح و شعیب و اسماعیل و رسول اکرم محمد(ص) به زبان عربی.
- ۲۸- بحار الأنوار ۳۰/۶۱. ادامه حدیث چنین است: و سید العربیة القرآن و سید القرآن البقرة.
- ۲۹- بحار الأنوار ۴۲/۱۱.
- ۳۰- تفسیر الصافی ۲/۲۲۵.
- ۳۱- بحار الأنوار ۸۷/۱۲.
- ۳۲- بحار الأنوار ۱۴۱/۳۵.
- ۳۳- تفسیر الصافی ۲/۲۲۵.
- ۳۴- نبطی ها ساکنان سرزمین عراق و اردن بودند که حکومتی

- تشکیل داده مرکز حکومتشان "بتره" بود (قاموس الرائد، ج ۲، ص ۱۷۱۴)
- ۳۵- بحار الأنوار ۱۵۷/۱۷.
- ۳۶- بحار الأنوار ۱۵۸/۷۱. نیز آمده است که به آن حضرت عرض کردند: یا رسول الله! ما رأینا أفصح منك. فقال (ص): و ما یمنعنی و أنا أفصح العرب. و أنزل الله القرآن بلغتی و هی أفضل اللغات، بیدانی ربیب فی بنی سعد بن بکر.
- ۳۷- بحار الأنوار ۱۲۷/۷۳ و ۲۱۲/۱.
- ۳۸- سوره ابراهیم، آیه ۴.
- ۳۹- سوره شعراء، آیه ۱۹۵.
- ۴۰- سوره نحل، آیه ۱۰۳.
- ۴۱- سوره فصلت، آیه ۴۴.
- ۴۲- یوسف / ۲ و زخرف / ۳.
- ۴۳- سوره فصلت، آیه ۳.
- ۴۴- سوره زمر، آیه ۲۸.
- ۴۵- سوره احقاف، آیه ۱۲ و سوره شوری، آیه ۷.
- ۴۶- سوره طه، آیه ۱۱۳.
- ۴۷- سوره مریم، آیه ۹۷.
- ۴۸- سوره دخان، آیه ۵۸.